

آیا فسخ نکاح توهین جنسی به زنان است؟



دان و وکیل دادگستری حقوق - مهناز شریف

حق“ قانونی، - اشاره کردیم که مطابق موازین فقهی) یادداشت دوم - **یادداشت اول** طلاق در ایران (های پیشین درباره در سلسله یادداشت ای برای پایان بخشیدن به رابطه یا جداگانه “مستقل” ، از اساس در اختیار مردان است. به این معنا که برای زنان مسلمان، هیچ حقی “طلاق زن‌ناشویی پیش‌بینی نشده است.

تازه اگر باکره نباشند؛ چرا - توانند اراده و قصد خود را در هنگام شروع رابطه به کاربندند. قانونی، زنان صرفاً می - مطابق این موازین فقهی {۱} که در غیر این صورت، در هر سنی هم که باشند برای ازدواج نیازمند رضایت پدر یا جد پدری خود هستند.

به هر صورت، زنان مسلمان برای پایان دادن به ازدواجی که فرضاً با قصد و اراده آغاز شده است؛ دیگر قصد و اراده‌ای مستقلی نخواهند داشت. در این چهارچوب قانونی، زنان ایرانی تنها می‌توانند پس از طی مراحل نه چندان آسانی که رژیم حقوقی جمهوری اسلامی آن‌ها را دادگاه بخواهند که به نیابت از شوهران در محضر حاضر شوند آنها را طلاق دهند. وضع کرده است؛ از نماینده

واقعیت این است که از ابتدای قدرت‌گیری نظام اسلامی جمهوری اسلامی در ایران تا سال ۲۷۳۱ و در پی معلق ماندن قانون حمایت از های ازدواج و طلاق و مستقیم به دفترخانه توانستند با مراجعه خانواده (۴۵۳۱) وضعیت به این ترتیب بوده است که مردان ایرانی می معرفی دو شاهد مرد، با پرداخت حقوق مالی همسر خود (مشخصاً مهریه و اجرت‌المثل) بدون آن که نیازی به رضایت، حضور یا حتا اطلاع زن باشد، همسران خود را طلاق دهند.

سابقه نیز نبوه است. پرتبعیض، بی این رویه

شد رسیدگی کنند و های طلاقی که داده می‌دادخواست ها مکلف شدند که بر پایه آنچه گفته شد تا سال ۲۷۳۱ بود. پس از سال ۲۷ دادگاه را روشن کنند. ... تکلیف امور مالی و حضانت کودکان و

به باور بسیاری از تحلیل‌گران و مدافعان حقوق زنان، همین که برای طلاق، مردان مسلمان ایرانی مجبورند ابتدا به دادگاه‌ها مراجعه کنند های قانون شود. به هر روی، پس‌های احتمالی از تبعیض‌تواند مانع سواستفاده‌زیادی می خود قدم و اصلاح بزرگی است. چراکه تا اندازه طلاق را جاری و ثبت کنند که از پیش رای قضایی در این ارتباط صادر فقط هنگامی صیغه ها ملزم شدند از این تغییرات بود که دفترخانه شده باشد.

فسخ نکاح:

امکان فسخ نکاح“ است. به زعم این افراد، از آنجایی که قانون مدنی “حق طلاق” ، همان “فسخ نکاح” کنند که بسیاری به غلط گمان می بینی کرده است این به معنای پذیرش یا به رسمیت شناختن حق طلاق یا جدایی است. در حالی که مسئله به لحاظ، را پیش “برای زنان به کل تاسیسی متفاوت با “امکان فسخ نکاح“ حقوقی و قانونی به هیچ وجه یکسان یا حتا مشابه هم نیست. حقیقت ماجرا اینجا است که است. “حق طلاق”

شود که در هر یک از زن و مرد عیوب عمدتاً جسمی تعریف می ، اساساً بر پایه «فسخ نکاح» نخستین تفاوت محوری این است که می‌تواند وجود داشته باشد و دیگری از آن بی‌اطلاع بوده است.

هایی است. در تصمیمشان برای ازدواج یا بیماری دانستند که دیگری واجد چنین عیوب یا با این توضیح که اگر هر یک از طرفین می دست کم برای توافق بر سر میزان مهریه تجدیدنظر می کردند.

زیادی شبیه به یک معامله تجاری یا عقد بیع است. به این معنا که همان واقعیت امر این است که عقد ازدواج در سنت اسلامی تا اندازه طور که وجود یک عیب در کالا، بر قیمت نهایی آن تاثیر می گذارد یا این که بی اطلاعی خریدار از عیب موجود در کالا، موجبات فسخ آن معامله را فراهم می آورد در اینجا نیز موارد مشابه ای پیش بینی شده است.

مردسالاری و سنتی جوامعی همانند ایران، اگر مردی از پیش مطلع نباشد که همسرش باکره نیست و حالا پس فرضاً در چهارچوب فرهنگ محوری تلقی ارزشی، چنین اتفاقی به نوعی امری مهم و-شود؛ از آنجایی که در چهارچوب این نظام فرهنگی از عقد متوجه این موضوع می شود؛ مرد می تواند عقد نکاح را فسخ کند. بدون آن که حتا لازم باشد به مانند طلاق مهریه یا اجرت المثل زن را بدهد.

مرد "های رجعی طلاق" شود. در یادداشت پیشین اشاره شد که در با طلاق تنها به همین مورد بالا خلاصه نمی "فسخ نکاح" میان تفاوت بینی نشده است و امکان چنین امری پیش "فسخ نکاح" طلاق است؛ مجدداً به او رجوع کند. اما در تواند تا هنگامی که زن در عده می قبلی وجود ندارد. بازگشت به رابطه

های رجعی، تا هنگامی که زن در عده است، گردد؛ در طلاق بر می "نفقه" توان به آن اشاره کرد به هایی که در اینجا می از دیگر تفاوت زن ندارد. این که عقد باطل شد؛ مرد دیگر تکلیفی برای پرداخت نفقه، به محض "فسخ نکاح" مرد است. اما در بر عهده نفقه

شود؛ در حالی که در طلاق رجعی اگر هر یک از طرفین در ارث مربوط می یکی دیگر از موارد تفاوت میان طلاق و فسخ نکاح، به مسئله مدت عده فوت کند آن دیگری از وی ارث خواهد برد؛ در فسخ نکاح چنین نیست و طرفین پس از فسخ نکاح، ارثی از هم نخواهند برد.

موارد فسخ نکاح

"فسخ نکاح" بینی شده است که در صورت وجود آن، به طرف مقابل امکان در فقه اسلامی و به تبع آن در قانون مدنی ایران، مواردی پیش جنون هریک از زوجین به "خوانیم: ۱۲۱۱ می ۱۲۱۱ قانون برای زن و مرد مشترک است. در ماده خواهد داد. در این ارتباط، مقررات ماده "شرط استقرار، اعم از این که مستمر یا ادواری باشد؛ برای طرف مقابل موجب حق فسخ است.

کند. با این توضیح که در صورت وجود این بیماریها یا عیوب جسمانی در مرد، ۲۲۱۱ قانون مدنی مشخصاً به عیوب مردان اشاره می ماده عیوب زیر در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود: "۲۲۱۱ قانون مدنی آمده است: تواند عقد نکاح را بر هم زند. در ماده زن می

۱ - خصاء

۲ - عنن به شرط این که ولو یک بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد.

۳ - ای که قادر به عمل زناشویی نباشد. (اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه ۰.۷۳۱)

زنان های که عمدتاً مربوط به روابط جنسی یا زیبایی چهره اشاره دارد. بیماری "عیوب زن" ۳۲۱۱ قانون مدنی، به طور مشخص به اما ماده ۳۲۱۱ قانون مدنی، نگاه ابزاری و سکسیستی به این ماده توان گفت که در هیچ کجای رژیم حقوقی ایران به اندازه شود. به جرئت می می زنان نشده است.

[] ماده ۳۲۱۱ قانون مدنی: عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود:

۱ - قرن

۲ - جذام

۳ - برص

۴ - افضاء

۵ - گیری زمین

۶ - نابینائی از هر دو چشم

در رژیم حقوقی ایران آمده است به طور کامل با موارد مربوط با حق "فسخ نکاح" واقعیت این است که آنچه به عنوان موارد مربوط به طلاق متفاوت است. نکته حائز اهمیت نیز این است که این مواد قانونی، آشکارا متعلق به سازوکاری ارتجاعی و واپس‌گرایانه است که هیچ تناسبی با معیارها و موازین حقوق مدرن ندارد. توسل به این مفاد قانونی با این هدف که رژیم حقوقی خانواده در ایران به زنان امکان مستقل پایان دادن به رابطه را داده است استدلالی سست و بی‌راه است.

زنان را توان گفت که این مواد قانونی نه تنها راه اختیار و اراده‌های کلی و مفاهیم اصلی دقت شود آنگاه با قاطعیت می‌آید که چهارچوب تواندگرایانه که می‌خورد بسیار سکسیستی و تقلیل‌شناسد بلکه در کنه به رسمیت نمی‌آید - اسلامی‌های نهاد خانواده‌ها تا چهارچوب همین نرم - حاکم بیانجامد. ستیزانه به بازتولید همین مناسبات زن

پانویس:

"... نکاح دختر باکره اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد؛ موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است" ۳۴۰۱ قانون مدنی: ماده {۱}

شود. جنسی می‌شود که مانع برقراری رابطه‌قرن: قرن در فقه اسلامی، به استخوان یا گوشت زائدی در واژن گفته می‌{۲}

خصاء (به کسر خاء) یعنی کشیدن بیضه‌ها.

جنسی است. عنن در معنای ناتوانی جنسی مرد یا عدم توانایی مرد در برقراری رابطه

برص در معنای همان بیماری پوستی موسم به پیسی یا پیسگی است.

الله خمینی در کتاب) آیت‌Anal Passayesهای حائل میان واژن و مقعد اشاره دارد. (افضا اصطلاحی فقهی که به پاره شدن بافت در افضاء یعنی را بول و حیض زن را یکی کردن و همچنین بنا بر احتیاط راه" تحریرالوسیله خود در این باره و حکم شرعی آن نوشته است: حیض و مجرای غائط او را یکی کردن خونبها است، چه این که اجنبی این جنایت را وارد آورد و چه شوهر، مگر در يك صورت و آن این است که افضاء در اثر وطی شوهر بعد از بلوغ زن واقع شده باشد، که در اینجا دیه‌ای نیست و اما اگر وطی شوهر قبل از بلوغ همسر بوده و "سبب افضاء شده باشد باید هم مهریه او را بپردازد و هم دیه را.

توانید به این مواد از قانون مدنی ایران رجوع کنید: تر از مقررات مربوط به فسخ نکاح می‌برای آگاهی بیش {۳}

عیوب زن در صورتی موجب حق فسخ برای مرد است که عیب مزبور در حال عقد وجود داشته است. - ماده ۴۲۱۱

جنون و عنن در مرد، هرگاه بعد از عقد هم حادث شود، موجب حق فسخ برای زن خواهد بود. - ماده ۵۲۱۱

هر یک از زوجین که قبل از عقد عالم به امراض مذکوره در طرف دیگر بوده بعد از عقد حق فسخ نخواهد داشت. - ماده ۶۲۱۱

گاه شوهر بعد از عقد مبتلا به یکی از امراض مقاربتی شود، زن حق خواهد داشت که از نزدیکی با او امتناع کند و امتناع هر - ماده ۷۲۱۱ مزبور مانع حق نفقه نخواهد بود.